

در بورس چه خبر است؟

دکتر هاشم اورعی

استاد دانشگاه صنعتی شریف

ویروس کرونا پایه های اقتصاد جهانی را به لرزه درآورده است. منفی شدن قیمت نفت، کاهش شدید قیمت سهام در بورس های بین المللی و پیش بینی رشد منفی اقتصاد جهان را به هیچ وجه نمی توان کمتر از زلزله ۸ ریشتری در اقتصاد جهانی دانست.

در شرایطی که مدیر عامل مرسدس بنز از امکان عدم حمایت سهامداران این شرکت ابراز نگرانی می کند و بیم آن دارد که سهامداران شرایط دشوار پیش رو را تحمل نکرده و با فروش سهام خود شرکت را به ورشکستگی بکشانند، چگونه است که در یکی دو ماه اخیر ارزش سهام در بورس ایران چند برابر شده است؟ گویی کرونای ما با کرونای بقیه فرق دارد و به کمک اقتصاد کشور آمده است. البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که ما موفق شده ایم قبل از شیوع ویروس کرونا، اقتصادمان را کرونایی کنیم!

واقعاً باید پرسید در بورس چه می گذرد و ماجرا چیست؟ در پی اعمال سیاست های اقتصادی کوتاه مدت و بسنده کردن به گفتار درمانی در صحنه اقتصاد کشور طی چند دهه و البته فشارهای ناشی از تحریم، دولت با کسری بودجه قابل توجهی در سال جاری مواجه است. عدم امکان دستیابی به درآمدهای پیش بینی شده با فروش نفت و نیز عدم تحقق درآمدهای مالیاتی به دلیل رکود اقتصادی، دولت را به فکر فروش اموال و تامین مخارج جاری خود انداخته است. لذا دولت سهام خود را در سه صندوق بانک و بیمه، خودرو و فلزات و پتروشیمی و پالایشگاه قرار داده و به مردم واگذار می کند. البته که فروش سهام دولت در بنگاه های اقتصادی امری کاملاً پسندیده بوده و از روز اول بنگاه داری دولت سیاستی کاملاً اشتباه بوده است. رسم بر این است که دولت ها دارایی خود را فروخته و درآمد حاصل از آن را صرف پروژه های عمرانی نمایند تا زیرساخت های لازم برای توسعه اقتصادی کشور توسط بخش خصوصی را فراهم آورند. لیکن چنانچه دولت با فروش اموال خود مخارج سال جاری را تامین کند در واقع از جیب خورده و موفق شده است مشکلات اقتصادی را به سال و سالهای بعد منتقل کند و این همان سیاست اقتصاددانیست که سالها شاهد آن هستیم.

با نگاهی اجمالی به سهام ارائه شده از سوی دولت می بینیم در گروه اول بانک ها و بیمه ها عمدتاً زیان انباشته قابل توجهی داشته و چنانچه چتر حمایتی بانک مرکزی از سر آنها برداشته شود با خطر ورشکستگی مواجه خواهند شد. وضعیت دو شرکت خودروسازی بزرگ کشور هم که با رانت یعنی از جیب مردم بزرگ شده اند، بهتر از بانک ها نیست. این دو شرکت حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی بدهکارند و در حال حاضر با استقراض از بانک ها هزینه جاری دستگاه عریض و طویل خود را تامین می کنند. در این گروه صنایع فولاد و مس هم قرار گرفته اند که اگر سود عملیاتی دارند آن هم سود نیست بلکه رانت است. صنایع فلزی مصرف انرژی بسیار بالایی دارند و برای هر کیلووات ساعت برق حدود ۱۰۰ تومان پرداخت می کنند در حالی که قیمت تمام شده واقعی هر کیلووات ساعت برق بیش از ۱۰۰۰ تومان است و بدین ترتیب در مقابل هر ۱۰۰ تومان پرداختی توسط این شرکتها برای انرژی مصرفی، ۱۰۰۰ تومان از بودجه دولت یعنی جیب مردم پرداخت می شود. لذا این شرکت ها در واقع زیان ده بوده و چنانچه سودی نشان می دهند ساختگی است و ناشی از سیستم رانته متداول در کشور است. اصلاً مگر می شود بنگاهی تحت مدیریت دولت بوده و سود ده باشد؟ لذا با اطمینان می توان گفت در فضای اقتصادی سالم و بدون هر گونه دخالت دولتی ارزش واقعی این سهام در بهترین حالت صفر است. اصولاً عوامل تعیین کننده قیمت سهام ارزش دارایی، سود عملیاتی و یا انتظار سود در آینده است. وضعیت امروز این شرکت ها که معلوم است. با پیش بینی شرایط اقتصادی کشور و چنانچه هزینه های ناشی از کرونا و از همه مهمتر سایه سنگین تحریم ها را به آن اضافه کنیم، تکلیف سود آتی این بنگاه های اقتصادی کاملاً روشن خواهد شد، لذا چگونه است که در چند ماه اخیر شاهد افزایش چند صد درصدی قیمت سهام هستیم؟

سناریوی احتمالی آن است که دولت با روی آوردن به فروش سهام خود برای تامین کسری بودجه جاری، اقداماتی در بازارهای موازی به عمل آورده است. با توجه به رکود حاکم در بازار زمین و مسکن، بخش نقدینگی به سمت ارز و طلا رفت و دولت با ایجاد محدودیت در ثبت سفارش، اخذ مالیات از خرید و فروش ارز و سکه و هم چنین ایجاد جو روانی از جنس سلطان سکه و ارز، فعالیت این بخش را به حداقل رساند. اخیراً نیز علیرغم اعلام نرخ تورم بیش از ۴۰ درصد از سوی بانک مرکزی، نرخ بهره سپرده های بانکی را به ۱۵٪ کاهش داده و بدین ترتیب بخش قابل توجهی از نقدینگی به طرف بورس هدایت شد. هجوم نقدینگی به بورس منجر به ایجاد حبابی بسیار بزرگ در قیمت سهام شده است. بدین

ترتیب دولت با سرکوب بازارهای موازی عملاً اقدام به مهندسی بازار کرده و این در حالی است که نقش دولت نظارت دقیق برای جلوگیری از دست کاری قیمت سهام است. افزایش شدید قیمت سهام در بورس آن هم در شرایط فعلی اقتصاد جهان نشان می دهد که دولت از این طریق از دو مسیر سود می برد. اول اینکه با کنترل بازارهای موازی قیمت سهام را به صورت کاملاً غیر واقعی به چند برابر افزایش داده و در راستای جذب مشتری ۲۰٪ تخفیف می دهد. مزیت دیگر برای دولت آن است که با رسیدن حجم معاملات به روزانه ۱۰ هزار میلیارد تومان هر روز ۵۰ میلیارد تومان پول باد آورده تحت عنوان مالیات انتقال به خزانه دولت واریز می شود تا امکان تداوم دست و دل بازی مالی دولت برای چند صباحی دیگر فراهم آمده و از سال دیگر هم که خدا بزرگ است!

مخلص کلام اینکه دولت به جای اینکه برای بالانس کردن بودجه، اقدام به کاهش هزینه های خود کرده و از این مسیر بازدهی خود را ارتقاء دهد به راه آسان روی آورده است و با ایجاد حسابی بزرگ در بورس سهام بی ارزش خود را فروخته و حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد ایجاد کرده تا از این طریق بخشی از کسری بودجه جاری خود را تامین کند. مشکل اینجاست که این حساب دیر یا زود خواهد ترکید و چندین میلیون نفر خواهند فهمید که چه کلاه گشادی سرشان رفته است. آن وقت همان طور که در مورد ورشکستگی موسسات اعتباری شاهد بودیم میلیون ها نفر پشت در سازمان بورس صف کشیده و دولت بعد هم مثل همیشه به جای اعمال سیاست های صحیح و دراز مدت اقتصادی، از جیب مردم ضرر آنها را جبران خواهد کرد. بدین ترتیب در حالی که این روزها زلزله کرونا پایه های اقتصاد جهان را به لرزه درآورده است، به نظر می رسد زلزله اقتصادی ما در راه است!